



شناخت منابع تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی

(رشته الهیات)

دکتر محمود صادقی علوی

امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پربار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز از این وضعیت بارها اظهار گله و ناخشنودی نموده‌اند.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاوردهای انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام(ص) این است که «بخوان!» و در اولین

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست مطالب

پیشگفتار	نه
فصل اول. کلیات.....	۱
هدف کلی.....	۱
هدف‌های یادگیری.....	۱
۱-۱ تعریف فرهنگ و تمدن.....	۱
۲-۱ پایه‌گذاری تمدن اسلامی.....	۴
۳-۱ ضرورت و تاریخچه.....	۶
۴-۱ چکیده‌ای از تاریخ سیاسی اسلام تا پایان خلافت عباسی.....	۹
۱-۴-۱ تأسیس حکومت اسلامی (عصر نبوت).....	۹
۲-۴-۱ دوره خلفا.....	۱۳
۳-۴-۱ خلافت امویان (۶۰-۴۱ ه. ق).....	۱۵
۴-۴-۱ خلافت عباسیان (۶۵۶-۱۳۲ ه. ق).....	۱۷
خلاصه.....	۲۰
خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل اول.....	۲۱
خودآزمایی تشریحی فصل اول.....	۲۲
فصل دوم. منابع تاریخ عمومی، محلی و دودمانی.....	۲۳
هدف کلی.....	۲۳
هدف‌های یادگیری.....	۲۳
مقدمه.....	۲۳
۱-۲ منابع تاریخ عمومی.....	۲۴
۱-۱-۲ اخبار الطوال.....	۲۵
۲-۱-۲ تاریخ طبری.....	۲۸

۳۱	۳-۱-۲ تاریخ فرشته.....
۳۵	۴-۱-۲ تاریخ یعقوبی.....
۳۸	۵-۱-۲ تجارب الامم.....
۴۲	۶-۱-۲ مروج الذهب.....
۴۶	۷-۱-۲ سایر منابع تاریخ عمومی.....
۵۲	۲-۲ منابع تاریخ محلی.....
۵۳	۱-۲-۲ اخبار مکه.....
۵۴	۲-۲-۲ الاحاطه فی اخبار غرناطه.....
۵۵	۳-۲-۲ تاریخ بخارا.....
۵۷	۴-۲-۲ تاریخ قم.....
۶۰	۵-۲-۲ تاریخ مدینه المنوره.....
۶۱	۶-۲-۲ تاریخ نیشابور.....
۶۳	۳-۲ منابع تاریخ دودمانی.....
۶۳	۱-۳-۲ اکبرنامه، تاریخ گورکانیان هند.....
۶۶	۲-۳-۲ تاریخ بیهقی.....
۶۸	۳-۳-۲ تاریخ سلطان محمد قطب شاه.....
۷۰	۴-۳-۲ تاریخ یمینی.....
۷۱	۵-۳-۲ حدیقه السلاطین.....
۷۲	۶-۳-۲ سایر منابع تاریخ دودمانی.....
۷۴	خلاصه.....
۷۵	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دوم.....
۷۶	خودآزمایی تشریحی فصل دوم.....
۷۷	فصل سوم. منابع جغرافیایی و سفرنامه‌ها.....
۷۷	هدف کلی.....
۷۷	هدف‌های یادگیری.....
۷۷	۱-۳ منابع جغرافیایی.....
۷۸	۱-۱-۳ آثار البلاد و اخبار العباد.....
۸۰	۲-۱-۳ احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم.....
۸۲	۳-۱-۳ البلدان.....
۸۴	۴-۱-۳ المسالک والممالک.....
۸۶	۵-۱-۳ تحقیق ماللهند.....
۸۷	۶-۱-۳ معجم البلدان.....
۹۱	۷-۱-۳ سایر منابع جغرافیایی.....
۹۵	۲-۳ سفرنامه‌ها.....
۹۵	۱-۲-۳ رحلة ابن جبیر.....
۹۶	۲-۲-۳ رحلة ابن فضلان.....
۹۸	۳-۲-۳ سفرنامه ابن بطوطه.....
۱۰۰	۴-۲-۳ سفرنامه ابن حوقل.....

۱۰۱	۳-۲-۵ سفرنامه ناصر خسرو.....
۱۰۳	خلاصه.....
۱۰۴	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل سوم.....
۱۰۵	خودآزمایی تشریحی فصل سوم.....
۱۰۷	فصل چهارم. منابع طبقات و انساب؛ سیر و فرق.....
۱۰۷	هدف کلی.....
۱۰۷	هدف‌های یادگیری.....
۱۰۷	۴-۱ کتب طبقات.....
۱۰۸	۴-۱-۱ تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام.....
۱۱۰	۴-۱-۲ طبقات اعلام الشيعة.....
۱۱۱	۴-۱-۳ الطبقات الكبرى.....
۱۱۳	۴-۱-۴ کتاب الطبقات.....
۱۱۴	۴-۲ کتب انساب.....
۱۱۵	۴-۲-۱ الانساب.....
۱۱۶	۴-۲-۲ انساب الاشراف.....
۱۱۸	۴-۲-۳ جمهره انساب العرب.....
۱۱۹	۴-۲-۴ جمهره النسب.....
۱۱۹	۴-۳ منابع سیر و فرق.....
۱۲۱	خلاصه.....
۱۲۱	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل چهارم.....
۱۲۳	خودآزمایی تشریحی فصل چهارم.....
۱۲۵	فصل پنجم. منابع تاریخ علوم و فرهنگ‌نامه‌های تاریخی.....
۱۲۵	هدف کلی.....
۱۲۵	هدف‌های یادگیری.....
۱۲۵	۵-۱ منابع تاریخ علوم.....
۱۲۶	۵-۱-۱ مفاتیح العلوم.....
۱۲۸	۵-۱-۲ مفتاح السعاده و مصباح السیاده فی موضوعات العلوم.....
۱۲۹	۵-۱-۳ نفائس الفنون فی عرائس العیون.....
۱۳۲	۵-۲ فرهنگ‌نامه‌های تاریخی.....
۱۳۳	۵-۲-۱ الاستیعاب فی معرفه الاصحاب.....
۱۳۴	۵-۲-۲ الاصابه فی تمییز الصحابه.....
۱۳۶	۵-۲-۳ تاریخ بغداد.....
۱۳۸	۵-۲-۴ تاریخ مدینه دمشق.....
۱۴۰	۵-۲-۵ المعارف.....
۱۴۱	۵-۲-۶ الوافی بالوفیات.....
۱۴۱	۵-۲-۷ وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان.....
۱۴۲	خلاصه.....

۱۴۳.....	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل پنجم.....
۱۴۴.....	خودآزمایی تشریحی فصل پنجم.....
۱۴۵.....	فصل ششم. کتب وزارت و دیوان‌سالاری، خراج و فتوح.....
۱۴۵.....	هدف کلی.....
۱۴۵.....	هدف‌های یادگیری.....
۱۴۵.....	۱-۶ کتب وزارت و دیوان‌سالاری.....
۱۴۶.....	۱-۱-۶ تاریخ‌الوزراء.....
۱۴۷.....	۲-۱-۶ دستورالکاتب فی تعیین المراتب.....
۱۴۹.....	۳-۱-۶ دستور الوزراء.....
۱۵۰.....	۴-۱-۶ الفخری فی الآداب السلطانیة و الدّول الاسلامیه.....
۱۵۲.....	۵-۱-۶ الوزراء و الکتاب.....
۱۵۴.....	۲-۶ کتب خراج و فتوح.....
۱۵۴.....	۱-۲-۶ الاموال داوودی.....
۱۵۵.....	۲-۲-۶ الاموال قاسم‌بن سلام.....
۱۵۸.....	۳-۲-۶ الخراج و صناعه الکتابه.....
۱۵۹.....	۴-۲-۶ الفتوح.....
۱۶۰.....	۵-۲-۶ فتوح البلدان.....
۱۶۲.....	خلاصه.....
۱۶۳.....	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل ششم.....
۱۶۴.....	خودآزمایی تشریحی فصل ششم.....
۱۶۵.....	پاسخ‌نامه خودآزمایی‌های چهارگزینه‌ای.....
۱۶۷.....	منابع.....

پیشگفتار

با بعثت پیامبر اکرم (ص) در شبه جزیره عربستان، دین اسلام شروع به بالیدن کرد. در این شبه جزیره، پیش از بعثت پیامبر، کمتر آثاری از تمدن و فرهنگ و پیشرفت انسان دیده می‌شد. اگرچه در قسمت‌های جنوبی و شمالی شبه جزیره عربستان نشانه‌هایی از تمدن‌های گذشته وجود داشت و در مناطق مرکزی آن نیز اطلاعاتی همچون علم انساب، ایام‌العرب و شعر به چشم می‌خورد، که می‌توان آن را تا حدودی در زمره پیشرفت‌های فرهنگی قرارداد، به نسبت دیگر تمدن‌های معاصر، همچون ایران و روم، این منطقه بسیار عقب افتاده بود.

ظهور دین اسلام باعث تحولی عمیق در این منطقه در حوزه‌های مختلف شد که یکی از جنبه‌های مهم این تحول در حوزه فرهنگ و تمدن بود. دین اسلام با تحت پوشش قراردادن افراد از اقوام و طوایف و زبان و رنگ‌های مختلف، همه آن‌ها را تحت لوای امت واحد اسلامی قرار داد و این امت واحد، با بن مایه اسلام، تمدنی عظیم را پایه‌گذاری کرد که، در دوره اوج خود، بزرگ‌ترین تمدن جهان بود.

مسلمانان در نقاط مختلف همچون عربستان، ایران، هند، شمال آفریقا، آسیای صغیر، اندلس و... با درنوردیدن مرزهای جغرافیایی و تأسیس مدارس و کتابخانه‌های فراوان و جذب دانشمندان و سرمایه‌گذاری‌های گسترده در علوم مختلف، در پیشبرد این تمدن کوشیدند.

تمدنی که مسلمانان در طی قرن‌ها آن را توسعه دادند، در قرن چهارم و پنجم هجری به اوج خود رسید و پس از آن به دلایلی که جای بحث آن در این مجال نیست،

رو به افول نهاد. برای پژوهش در مورد این تمدن شاید بتوان گفت هر آنچه از آن دوره باقی مانده منبعی مهم برای بررسی اوضاع فرهنگی و تمدنی محسوب می‌شود. تفاوتی نمی‌کند که آن باقی مانده، یک تکه سنگ، یک ظرف گلی، یک ابزار شکار، یک ابزار جنگ، یک سکه و یا ... باشد. البته گروهی از این منابع که اطلاعات مفصلی درباره فرهنگ و تمدن اسلامی در اختیار ما می‌گذارند و منبعی مهم برای شناخت این فرهنگ و تمدن به شمار می‌روند، منابع مکتوب‌اند. این منابع را مسلمانان در طول تاریخ اسلام و در حوزه‌های مختلف تدوین کرده‌اند که با وجود ناملازمات و نابسامانی‌های فراوان در طول تاریخ، بسیاری از آن‌ها برای ما باقی مانده و به ما در شناخت تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی یاری رسانده‌اند.

منابع مکتوب در حوزه‌هایی مثل سیره، مغازی، جغرافیا، سفرنامه، تاریخ، تفسیر، فرق، دیوان‌سالاری و ... تدوین شده‌اند که همه آن‌ها در شناخت فرهنگ و تمدن اسلامی مفید و سودمند هستند. در این کتاب سعی شده چند اثر در حوزه‌های مختلف معرفی شوند. در معرفی هر اثر علاوه بر بیان زندگی‌نامه مؤلف، که هدف از آن آشنایی با زندگی‌نامه نویسنده بوده، به علاوه دانشجویان با شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زمان تألیف اثر نیز آشنا می‌شوند. در معرفی این آثار قسمتی از متن اصلی اثر هم آورده شده تا دانشجویان با متن اصلی نیز آشنایی پیدا کنند. همچنین برای جلوگیری از هم‌پوشانی مطالب این کتاب با دیگر متون درسی، برخی حوزه‌ها مثل سیره و مغازی بررسی نشده‌اند یا در برخی حوزه‌های دیگر متونی مورد توجه قرار گرفته‌اند که در دروس مشابه کمتر به آن توجه شده است.

در تدوین این اثر کوشیده‌ام علاوه بر استفاده از متون اصلی، از تحقیقات جدیدی که در معرفی این متون انجام شده نیز استفاده کنم. با این اوصاف متن حاضر خالی از اشکال نخواهد بود و نظرهای دانشجویان و صاحب‌نظران، نگارنده را در تکمیل آن یاری خواهد رساند.

محمود صادقی علوی

تابستان ۱۳۹۵

فصل اول

کلیات

هدف کلی

آشنایی دانشجو با مفهوم فرهنگ و تمدن و چکیده‌ای از تاریخ اسلام

هدف‌های یادگیری

دانشجو پس از مطالعه این فصل با مفاهیم زیر آشنا می‌شود:

۱. تعریف واژه فرهنگ
۲. تعریف واژه تمدن
۳. پایه‌گذاری تمدن اسلامی
۴. ضرورت مطالعه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی
۵. چکیده‌ای از تاریخ سیاسی دوره پیامبر اکرم
۶. تاریخ سیاسی اسلام تا پایان دوره عباسیان

۱-۱ تعریف فرهنگ و تمدن

پیش از آنکه درباره شناخت منابع تاریخ فرهنگ و تمدن صحبت کنیم، لازم است این دو واژه به صورت دقیق‌تر بررسی و واکاوی شود. کلمه «تمدن» در زبان عربی از «مَدَن» اخذ شده که به معنای اقامت کردن و پیدا کردن اخلاق شهرنشینان است (معلوف، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۷۶۶). این کلمه، ترجمه «Civilization» (باطنی، ۱۳۷۶: ۱۳۶) است که از کلمه لاتین «Civilis»، از خانواده کلمه «vivis» یعنی «شارمند»، مشتق شده است (ویل دورانت، ۱۳۸۱، ج ۱: ۵). یونانی‌های باستان با این کلمه نشان می‌دادند که شهر را مجموعه‌ای از

نهادها و روابط اجتماعی می‌دانند که شکل برتری از زندگی است (ویل دورانت، ۱۳۶۸: ۲۵۶). در فرهنگ‌های فارسی نیز تمدن به معنای شهرنشین شدن، به اخلاق و آداب شهریان خوگرفتن، همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی و مانند آن آمده است (معین، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۱۳۹).

پژوهش‌های اجتماعی، بررسی‌های تاریخی و اندیشه‌های فلسفی- اجتماعی که در مغرب زمین درباره تمدن و نیز پژوهش‌های نیمه دوم قرن بیستم در دنیای اسلام، پیشینه ارزشمندی برای تمدن و تمدن‌شناسی جمع آورده است. تمدن‌پژوهی در غرب، سابقه‌ای بس طولانی دارد. تاریخ تمدن‌هایی که در مورد غرب و البته کمتر در مورد شرق نوشته شده، کتاب‌های انسان‌شناسان در مورد سیر جوامع بشری، نظریات اندیشمندان جامعه‌شناس و همین‌طور فلاسفه تاریخ در مورد ادوار تاریخی و تمدن‌ها، همه از دغدغه‌های انسان در نگرشی تمدن محور به جامعه بشری حکایت می‌کند.

اندیشه‌های جامعه‌شناختی متنوعی درباره تمدن در غرب وجود دارد. در دنیای اسلام و جهان عرب نیز در دوره‌های متأخرتر بحث درباره تمدن رواج بیشتری یافته است (کرمی قهی، ۱۳۸۶: ۱۲، ۱۳).

دو واژه فرهنگ و تمدن، واژه‌هایی هستند که عمدتاً با هم به کار برده می‌شوند و معانی متفاوت و تا حدودی شبیه به هم دارند. برخی از جامعه‌شناسان، مانند ادوارد تایلور، در تعریف تمدن به عناصر و مؤلفه‌های تمدنی، همچون دین، هنر، قانون، اخلاقیات و آداب و رسوم پرداخته‌اند. برخی دیگر، مانند آلفرد وبر به ویژگی‌های تمدنی اشاره کرده‌اند. برخی نیز در تعریف از تمدن به قلمرو آن اشاره کرده‌اند، مانند آنچه ویلهلم فن هومبالت یا لیپرت در این مورد بیان کرده‌اند. کسانی هم تمدن را با دوره زمانی شکل‌گیری آن تعریف کرده‌اند؛ مثل کار اسپینگلر که تمدن را مرحله واپسین، سنگواره و بی‌آفرینش یا روزگار پیری و افسردگی فرهنگ‌های یکتا و آبستن سرنوشت تعریف کرده است (آشوری، ۱۳۸۱: ۴۱ و ۴۸).

پژوهش‌های انسان‌شناختی درباره اقوام و فرهنگ‌های ابتدایی و نیز حوزه‌های تمدنی و فرهنگی کهن در آسیا، آفریقا و اروپا، در سده نوزدهم دو مفهوم فرهنگ و تمدن را در کنار هم نشانده که بسیار درهم آمیخته‌اند و گاهی هم معنا به کار می‌روند. البته تاریخ‌شناسان و فرهنگ‌شناسان کوشیده‌اند این دو مفهوم را از یکدیگر جدا کنند. از این نظر، تمدن بیشتر جنبه‌های مادی ساخته‌های انسانی را به خود گرفته است،

کلیات ۳

مانند معماری، شهرسازی، فناوری و فرهنگ، که بیشتر جنبه‌های معنوی زندگی اجتماعی انسان مانند آیین‌ها و آداب و زبان و دین و دانش را در بر می‌گیرد. از دیدگاهی دیگر تمدن به نظام‌های بزرگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اشاره دارد که از نظر جغرافیایی، واحد کلانی را در یک قلمرو پهناور، معمولاً یک امپراتوری، شامل می‌شود و برخوردار از فرهنگ گسترده و پرورده نوشتاری است. اما فرهنگ به تنهایی می‌تواند از آن مردمی باشد که در یک قبیله به صورت ابتدایی زندگی می‌کنند (هانتینگتون، ۱۳۷۴: ۴۰۷). در یک نگاه کلی می‌توان گفت تمدن به مجموعه دستاوردهای مادی یک جامعه و فرهنگ به مجموعه دستاوردهای معنوی یک جامعه اطلاق می‌شود. در این پژوهش هر جا از این دو واژه استفاده شده منظور فرهنگ و تمدن در کنار یکدیگر است.

- عوامل مؤثر بر ایجاد و اعتلای تمدن‌ها: گذشته تاریخ حاکی از آن است که درخشندگی و افول تمدن‌ها امری مسلم و قطعی است. بی‌گمان، نه اعتلای تمدن‌ها امری تصادفی است و نه انحطاط آن بی‌دلیل است، بلکه اعتلا و افول تمدن‌ها مانند هر پدیده‌ای دیگر معلول علل و عواملی خاص است. بدیهی است، شناخت این عوامل، به‌ویژه برای افراد تأثیرگذار در سرنوشت جامعه، امری سازنده است. از نظر ویل دورانت، در تمدن، چهار رکن و عنصر اصلی وجود دارد که عبارت‌اند از: پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی؛ سازمان سیاسی؛ سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر (ویل دورانت، ۱۳۸۱، ج ۱: ۳).
- ویل دورانت معتقد است ظهور تمدن هنگامی امکان‌پذیر است که هرج و مرج و ناامنی پایان پذیرفته باشد، زیرا فقط با از بین رفتن ترس است که کنج‌کاوی به سراغ انسان می‌آید و ابداع و اختراع شکوفا می‌شود و انسان خود را تسلیم غریزه‌ای می‌کند که او را به‌طور طبیعی به سوی کسب علم و معرفت و تهیه وسایل بهبود زندگی سوق می‌دهد (همان، همان جا).
- ابن‌خلدون برای ایجاد تمدن هفت عامل را مؤثر می‌داند: ۱. دولت و رهبر؛ ۲. قانون دینی یا عرفی؛ ۳. اخلاق؛ ۴. کار؛ ۵. صنعت؛ ۶. جمعیت؛ و ۷. ثروت.
- از نظر ابن‌خلدون می‌توان سه عنصر اول را عناصر اصلی و مهم‌تر از چهار عنصر دیگر دانست (رادمنش، ۱۳۵۷: ۱۷).

۱-۲ پایه‌گذاری تمدن اسلامی

عوامل و عناصر گوناگونی در به‌وجود آمدن و اعتلای تمدن اسلامی دخالت دارند که پرداختن به همه آن‌ها کاری بس دشوار و خارج از حوصله بحث ماست، لذا به برخی از مهم‌ترین آن‌ها به‌صورت خلاصه اشاره می‌شود:

- **توصیه قرآن و سنت:** آیین اسلام، مهم‌ترین قوه محرکه تمدن اسلامی و همچنان یکی از عوامل اساسی این تمدن است و شالوده‌ای لایتغیر بدان داده است. پی‌تردید قرآن و تعالیم پیامبر (ص) مهم‌ترین عامل توجه مسلمین به کسب علم و دانش بود. نخستین آیه‌ای که بر پیامبر نازل شد نیز تأکید بر همین امر داشت: «بخوان به نام پروردگارت». اگر قرآن را به دقت بخوانیم، پی می‌بریم که برتری انسان به سایر مخلوقات را در علم و دانش او می‌داند. قرآن عامل بسیار مؤثری در بالا بردن فکر و اندیشه مسلمانان بود و آن‌ها را به تفکر و تحقیق سوق داد.
- **همبستگی ملی:** ابن‌خلدون از آن با واژه «عصبیت» (رادمنش، ۱۳۵۷: ۹ و ۳۵) یاد کرده است. در واقع این مفهوم، روح اصلی هر تمدنی است، عاملی که انگیزه لازم را فراهم می‌آورد و تعاون و همکاری گروهی مشخص و هدفمند را شکل می‌دهد (ویل‌دورانت، ۱۳۸۱، ج ۱: ۶۶).
- **امنیت و آرامش:** از جمله مؤلفه‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری تمدن‌ها، برقراری امنیت در جامعه است، زیرا تا فضایی آرام و بستری امن فراهم نشود و اضطراب و دل‌مشغولی‌های زیان‌بار فرو ننشیند، نه جامعه سامان می‌یابد و نه تمدن شکل می‌گیرد.
- **قانون و قانون‌مداری:** یکی دیگر از عوامل مهم در زایش و اعتلای تمدن‌ها قانون و قانون‌مداری است، زیرا قانون مانند خون در عروق جامعه است، اگر جامعه از قانونی فراگیر و متقن برخوردار باشد و آحاد جامعه بدان وفادار باشند، جامعه‌ای استوار سامان می‌یابد و تمدنی ماندگار شکل می‌گیرد.
- **رهبری آگاه:** جامعه زمانی سامان می‌یابد و به تمدن مطلوب دست می‌یابد که رهبری آگاه و پای‌بند به اصول جامعه داشته باشد تا مردم گرد او جمع شوند و با اشراف او به سمت تمدنی استوار حرکت تکاملی خود را آغاز کنند.

کلیات ۵

عواملی، چون همکاری و تعاون، اخلاق، تحمل، بردباری و صبوری در برابر اندیشه‌های مختلف، حفظ وحدت و یکپارچگی و عدم انفکاک و تجزیه‌طلبی و رفاه نسبی نیز از عوامل شکل‌گیری تمدن است (ولایتی، ۱۳۸۷: ۲۱ و ۲۴).

پس از مرور برخی عوامل مؤثر در زایش و اعتلای تمدن‌ها، این سؤال مطرح می‌شود که آیا عوامل یادشده در تمدن اسلامی، که در عصر رسول خدا (ص) پی‌ریزی شد، وجود داشته‌اند و آیا پیامبر (ص) که خود پایه‌گذار جامعه و تمدن اسلامی بود، به این عوامل و نقش سازنده آن‌ها توجه داشت یا خیر؟

تاریخ اسلام حاکی از آن است که پیامبر اعظم (ص)، که از همان آغاز در اندیشه شکل‌گیری تمدنی بزرگ بود، به این عوامل توجهی ویژه داشت، از این رو، آن حضرت نه تنها پس از هجرت و تشکیل حکومت در مدینه به فکر این عوامل بود، حتی پیش از هجرت نیز تا آن‌جا که شرایط اجازه می‌داد در اندیشه تدارک این مقدمات بسترساز بود. پیامبر اکرم (ص) به‌عنوان پایه‌گذار این تمدن، اقدامات فراوانی به منظور فراهم‌سازی بستر مناسب برای پی‌ریزی این تمدن انجام داد. مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری هر تمدنی ایجاد فضای آرام با امنیت و آسایش است، زیرا بدون وجود چنین شرایطی هرگز تمدنی شکل نمی‌گیرد و اگر هم شکل بگیرد چندان گسترده و بادوام نخواهد بود. پیامبر اکرم (ص) از زمان آغاز دعوت خود در مکه در صدد ایجاد محیطی آرام برای مسلمانان بود. هجرت گروهی از مسلمانان به حبشه (یعقوبی، ۱۳۷۱ ش: ۳۸۵؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۷: ۸۳ و ۸۷) برای در امان‌بودن از شر مشرکان مکه، عقد پیمان با مردم مدینه در عقبه اول و دوم (طبری، ۱۳۷۵، ج ۳: ۹۰۷؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۳: ۱۶۰ و ۱۶۵)، هجرت به مدینه و تأسیس حکومت اسلامی، پیمان‌های مختلف سیاسی و جنگ‌های پیامبر (ص) در دوره مدنی از مهم‌ترین اقدامات ایشان در این زمینه بود. تداوم این حرکت پیامبر (ص) مستلزم وجود قانونی جامع بود تا همه مردم، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، بتوانند براساس آن در کنار یکدیگر زندگی کنند. دین اسلام و آیات قرآن به‌عنوان قانونی جامع برای مسلمانان بود، اما در کنار مسلمانان، یهودیان و مشرکان مدینه نیز زندگی می‌کردند که پیامبر اکرم (ص) پیمان‌نامه عمومی مدینه را به‌عنوان نخستین قانون اساسی (فارسی، ۱۳۶۲: ۱۵؛ آیتی، ۱۳۷۸: ۲۳۴) به امضای گروه‌های مختلف ساکن در شهر مدینه و اطراف آن رساند و با همه مردم در برابر قانون به مساوات رفتار کرد تا این رفتار او الگویی برای تمامی مسلمانان در این زمینه باشد.

پیامبر اکرم (ص) همچنین با عقد پیمان برادری بین مهاجران و انصار (هدایت پناه، ۱۳۸۲: ۳۳۰، ۳۷۳)، روحیه همکاری و تعاون را که یکی از مؤلفه‌های مهم شکل‌گیری هر تمدن است در جامعه اسلامی به وجود آورد. این پیمان برادری در سال نهم هجری با نزول آیه «انما المؤمنون اخوه»^۱ بین تمامی مسلمانان بسته شد تا همه آنها در سایه تعلیمات اسلام و رهبری عالمانه پیامبر اکرم (ص) در راه پی‌ریزی تمدن عظیم اسلامی گام بردارند.

با این اقدامات پیامبر اکرم (ص) و رهبری هوشمندانه ایشان در جامعه اسلامی، در دوره حیات ایشان پایه‌های تمدنی پی‌ریزی شد که بعدها در قرون چهار و پنج هجری به دوره اوج شکوه و عظمت خود رسید و تمدن اسلامی در دنیای آن روز که اروپا دوران قرون وسطای خود را پشت سر می‌گذاشت، سرآمد همه تمدن‌ها بود. تمدنی که پیامبر اکرم (ص) پایه‌گذار آن بود، از قرن هفتم به بعد با از میان رفتن زمینه‌های پیشرفت و اعتلای آن-که پیامبر (ص) در این راه تلاش‌های فراوانی کرده بود-در سراسرایی نزول قرار گرفت. در دوره اخیر، مسلمانان اتحاد و همدلی و همکاری خود را از دست دادند و در برابر حملات مغولان و جنگ‌های صلیبی ضربات سختی متحمل شدند و امنیت و آرامش، که رکن اصلی اعتلای هر تمدنی است، از جامعه اسلامی رخت بربست. اکنون با گذشت چندین قرن از آن دوره، با خیزش حرکت‌های بیداری اسلامی در جهان اسلام، مسلمانان بر آن‌اند تا تمدن اسلامی را که زمانی سرآمد همه تمدن‌های دنیا بود، در سایه توصیه‌های دین اسلام و پیامبر اکرم (ص) دوباره احیاء کنند.

۱-۳ ضرورت و تاریخچه

شناخت صحیح و کامل هر موضوع، بستگی به میزان آگاهی‌ای دارد که از راه‌های مختلف درباره آن به دست می‌آید و هر اندازه در این زمینه به منابع غنی‌تر و مطمئن‌تری دسترسی داشته باشیم، شناخت دقیق‌تری به دست می‌آوریم. بر این اساس، فهم و شناخت بهتر تمدن اسلامی نیز مستلزم شناخت بهتر و دقیق‌تر منابعی است که جنبه‌های مختلف تمدن اسلامی را بیان کرده است. از صدر اسلام تا کنون، متفکران و دانشمندان و نویسندگان در حوزه تمدن اسلامی کوشیده‌اند حاصل تحقیقات خود را به صورت مکتوب در دسترس

۱. حجرات، ۱۰: إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ.

همگان قرار دهند و برای آیندگان به یادگار بگذارند و حاصل این تحقیقات در جهان اسلام از حد احصاء بیرون است و کتابخانه‌های بزرگ دنیا مملو از این آثار است. بسیاری از کتب و منابع تألیف شده در دوره‌های مختلف و نقاط جغرافیایی گوناگون در تمدن اسلامی از بین رفته‌اند و فقط نامی از آن‌ها برای ما باقی مانده است. بسیاری از این منابع نیز تا کنون به صورت نسخه خطی در کتابخانه‌های کشورهای مختلف نگهداری می‌شوند که برخی از آن‌ها در آستانه نابودی‌اند.

شناخت منابع تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، از جمله مسائلی است که از دیرباز مورد توجه دانشمندان و پژوهشگران مسلمان بوده است. از آن‌جا که واژه فرهنگ و تمدن، چنانکه پیش‌تر ذکر شد واژه‌ای فراگیر است، منابع تاریخ فرهنگ و تمدن هم بسیار گسترده‌اند، به طوری که می‌توان گفت تمامی کتب تا کنون تألیف شده را در حوزه تمدن اسلامی در بر می‌گیرند. موارد فراوانی، همچون سکه‌شناسی، آثار باستانی و غیره نیز جزو منابع تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی محسوب می‌شوند، اما در این پژوهش ما فقط به دنبال معرفی منابع مکتوب هستیم. معرفی منابع تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی سابقه‌ای طولانی دارد و پژوهشگران حوزه تاریخ فرهنگ و تمدن همیشه به این امر توجه داشته‌اند. از بسیاری از منابع مختلف، که اصل آن‌ها از بین رفته‌اند، فقط معرفی کتاب و شرح حال مؤلفان آن‌ها باقی مانده و دارای اهمیت بسیار زیادی به‌ویژه در حوزه معرفی منابع تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی است. برخی از مشهورترین این آثار عبارت‌اند از:

کتاب کشف‌الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، این کتاب از کتاب‌های نفیس و مآخذ مهم است که غالباً مورد استناد دانشوران قرار می‌گیرد. مؤلف این کتاب مصطفی‌بن عبدالله از دانشمندان شهیر عثمانی در قرن ۱۱ هجری است که در میان دانشمندان و ادیبان به «کاتب چلبی» و «خلیفه» و «حاجی خلیفه» مشهور است. این کتاب از تألیفات مهم وی است که به نوشته بعضی نام چهارده هزار و پانصد کتاب در آن غالباً با اسامی و وفیات مؤلفان آن‌ها ضبط و به ترتیب حروف تحریر شده است.

این کتاب به زبان عربی تدوین شده و چنانکه از نام آن پیداست در آن از علوم و فنون گوناگون، که تا زمان مؤلف رواج داشته و شایع بوده، بحث می‌شود. روش مؤلف در تدوین کتاب، به طوری که در آغاز کتاب بیان شده، این است که علوم و فنون براساس حروف «الفبا» مورد توجه قرار گرفته و به طور اختصار تعریف شده‌اند و بر

همان اساس کتاب‌هایی که در آن علم یا فن نوشته شده‌اند و حروف اول آن با حرف اول آن علم یا فن یکی بوده با مطلبی خلاصه از آن بیان‌شده و مؤلف یا مصنف آن را با شرحی اجمالی از زندگی وی معرفی کرده است.

کتاب *کشف‌الحجب و الاستار* تألیف اعجاز‌حسین کنتوری یا نیشابوری است. وی یکی از عالمان و کتاب‌شناسان شیعی هند در قرن ۱۳ هجری قمری بوده است. این خاندان در اصل نیشابوری بودند و به «لکهنو» هجرت کردند. مؤلف سال‌ها نگاه‌داری و سرپرستی کتابخانه بزرگ پدرش را بر عهده داشت و همین کار، مقدمات و زمینه تألیف کتاب *کشف‌الحجب و الاستار* را فراهم کرد. البته انگیزه اصلی او برای این کار، فقدان کتاب‌شناسی شیعی به شیوه جدید بود، لذا آن را به روش *کشف‌الظنون* حاجی خلیفه نگاشت؛ یعنی به ترتیب الفبایی عنوان کتاب‌ها. در این کتاب نام و ویژگی‌های ۳۴۱۴ کتاب یاد شده است. وی حدود سه هزار کتاب را خود دیده و آغاز آن‌ها را نقل کرده است. *کشف‌الحجب و الاستار*، پیش‌گام کتاب‌های مشابه خود بوده است و از منابع مهم کتاب‌شناسی‌های شیعی پس از خود به شمار می‌رود.

کتاب *الذریعه الی تصانیف‌الشیعه* یکی از جامع‌ترین و گسترده‌ترین کتاب‌شناسی‌های شیعه است. شیخ آقا بزرگ تهرانی از دانشمندان برجسته شیعه در قرن ۱۴، مؤلف این اثر است. مؤلف در این کتاب، هنگام ذکر تألیفات مؤلفان به شرح مختصر زندگی آنان، از قبیل ولادت، وفات، استادان، تألیفات، مدفن و بسیاری از خصوصیات دیگر پرداخته است. وی همچنین علاوه بر فهرست الفبایی کتاب‌های شیعه، به کتاب‌شناسی موضوعی هم توجه داشته و آن را نیز از نظر دور نداشته است، زیرا وی در کنار فهرست کتاب‌هایی که نام مشخص داشتند، به کتاب‌هایی که با همان موضوع و دارای نام ویژه‌ای بوده‌اند، اشاره کرده است.

کتاب *الفهرست* اثر ابوالفرج محمدبن ابی یعقوب اسحاق ندیم، کتاب‌شناس، فهرست‌نگار، و محقق بغدادی است که به زبان عربی نوشته شده است. *الفهرست* نه تنها به مثابه دانشنامه‌ای است که تاریخ، فرهنگ، ادبیات و مذهب را از ادوار قبل از اسلام تا عصر نویسنده به شکلی بدیع به تصویر می‌کشد، بلکه خصوصیات کتاب‌شناختی نیز دارد و چنانکه از مقدمه کوتاه آن برمی‌آید، ابن ندیم مصمم بود تا فهرستی از کلیه آثاری را که نویسندگان عرب و غیرعرب به زبان عربی تألیف کرده بودند، همراه با سرگذشت‌نامه مؤلفان آن‌ها ارائه دهد.

مطالب / فهرست در قالب ده مقاله است که عبارت‌اند از: ۱. کتب مقدس مسلمانان، یهودیان و مسیحیان؛ ۲. نحو و لغت؛ ۳. تاریخ، انساب و موضوعات وابسته به آن؛ ۴. شعر و شاعران؛ ۵. علم و کلام و متکلمان؛ ۶. فقه، حدیث، فقها و محدثان؛ ۷. فلسفه و علوم قدیم؛ ۸. افسانه، سحر، جادو و جز آن؛ ۹. مذاهب و ادیان غیرالهی و ۱۰. کیمیا.

در این پژوهش قبل از پرداختن به بحث، ابتدا تاریخ سیاسی اسلام تا پایان خلافت عباسی به صورت مختصر ذکر شده تا دانشجویان ضمن مطالعه منابع تاریخ فرهنگ، با تاریخ سیاسی دوره‌های مختلف هم تا حدودی آشنا شوند. در ادامه کوشیده‌ام تا برخی از مهم‌ترین منابع تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی را با تکیه بر جنبه فرهنگی و تمدنی آن‌ها معرفی کنم. در بررسی و معرفی هر اثر از چاپ‌های متعدد این کتاب‌ها و مقدمه‌هایی که مصحح‌ها و مترجم‌ها بر این آثار نوشته‌اند تا حد امکان استفاده شده تا در معرفی این کتاب‌ها تمامی نظرها لحاظ شوند. همچنین در این مجال سعی کرده‌ام تا از مقالاتی که به معرفی برخی از این آثار به صورت مستقل پرداخته‌اند نیز استفاده کنم. جهت آشنایی بیشتر دانشجویان با این متون و شیوه نگارش و محتوای آن‌ها، قسمت‌هایی نیز به صورت مستقیم از این منابع ذکر شده‌اند.

۱-۴ چکیده‌ای از تاریخ سیاسی اسلام تا پایان خلافت عباسی

پیش از معرفی و بررسی برخی از مهم‌ترین منابع تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، لازم است تا به صورت کوتاه و مختصر تاریخ سیاسی حکومت‌های اسلامی را مرور کنیم. تاریخ سیاسی اسلام با مبعث پیامبر اکرم (ص) و تشکیل حکومت اسلامی در مدینه آغاز شد و هم‌زمان با آن، تمدن اسلامی نیز پایه‌گذاری شد. از این دوره به بعد حکومت‌های مختلف اسلامی در نقاط مختلف جهان اسلام پا گرفت تا اینکه در قرون چهارم و پنجم هجری که دوره استقرار حکومت‌های نیمه‌مستقل معاصر خلافت عباسی است، دوران اوج تمدن اسلامی رقم خورد.

۱-۴-۱ تأسیس حکومت اسلامی (عصر نبوت)

تاریخ سیاسی اسلام با بعثت پیامبر اکرم (ص) آغاز می‌شود. در دوره حضور پیامبر اکرم (ص) در شهر مکه به دلیل ابتدای شروع دعوت به دین اسلام و محدودیت‌هایی که از جهات مختلف برای پیامبر (ص) و مسلمانان به وجود می‌آمد، مسلمانان چندان فعالیت

گسترده‌ای نداشتند و در حقیقت باید دوره استقرار مسلمانان در شهر مدینه را شروع تاریخ سیاسی اسلام دانست.

اولین اقدام پیامبر اکرم (ص) در مدینه تأسیس حکومتی پایدار و باثبات بود که شاید بتوان گفت مهم‌ترین عامل ایجاد آرامش و امنیت برای پایه‌گذاری یک تمدن است. تمدن اسلامی در درجه اول نیازمند یک حکومت قدرتمند بود تا بتواند با تکیه بر آن از تهاجم قبایل صحراگرد و یهودیان اطراف مدینه و منافقان داخل شهر و همچنین قبیله قریش، که در این زمان مهم‌ترین دشمن مسلمانان به شمار می‌آمد، در امان بماند و نخستین پایه‌های خود را تثبیت کند.

در این زمینه پیامبر اکرم (ص)، در نخستین اقدام خود در شهر مدینه، اولین نهاد حکومت اسلامی را در محله قبیله بنی‌سالم بن عوف تأسیس کرد. «نماز جمعه» به عنوان یک نهاد حکومتی و یک آیین سیاسی-عبادی در نخستین روز ورود پیامبر (ص) به مدینه اقامه شد (طبری، ۱۳۷۵، ج ۳: ۹۲۶ و ۹۲۸؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷/۱۹۸۶، ج ۳: ۱۹۸). پیامبر در نخستین گام برای تثبیت حاکمیت خود، نیاز به یک مقر حاکمیت و پایگاه فرماندهی داشت. پایگاهی که مردم آنجا را به عنوان مرکز روحی، فکری و سیاسی خود بشناسند، از این رو در اولین اقدام خود پس از ورود به شهر مدینه شروع به ساخت مسجد به عنوان پایگاه اصلی حکومت خود کرد (طبری، ۱۳۷۵، ج ۳: ۹۲۹؛ بیهقی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۱۶۷). مسجد، از همان بدو تأسیس نه تنها به عنوان جایگاه اصلی اجتماع مسلمانان برای ادای فرائض دینی استفاده می‌شد، بلکه نخستین کانون فعالیت‌های علمی، سیاسی و اجتماعی مسلمانان نیز به شمار می‌رفت، در واقع پایه‌های اساسی حکومت اسلامی در زمان رسول خدا (ص) در این مسجد بنیان‌گذاری شد و اصول و مبانی دین مبین اسلام از این پایگاه مقدس به مردم جهان عرضه شد.

- **پیمان‌های سیاسی:** یکی از اقدامات پیامبر اکرم (ص) ایجاد رفاه و امنیت مسلمانان و فراهم‌سازی زمینه‌های تمدن عظیم اسلامی، عقد پیمان‌های سیاسی و نظامی با گروه‌ها و قبایل مختلف بود تا بدین وسیله زمینه امنیت هرچه بیشتر مسلمانان فراهم شود. این قراردادها تحت عناوین مختلف از زمان قبل از اسلام بین اعراب شبه جزیره عربستان رایج بود، چنانکه پیامبر اکرم (ص) نیز پیش از بعثت در یکی از این پیمان‌ها، که در تاریخ به حلف الفضول مشهور است، شرکت کرد. پیمانی که

برای دفاع از مظلومان بین چند جوان، از جمله محمد امین بسته شد و پیامبر (ص) بعد از اسلام نیز همیشه با افتخار از آن یاد می‌کرد (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۳۷۱ و ۳۷۳؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۲: ۲۹۰ و ۲۹۳).

پیمان نظامی پیامبر (ص) برای دفاع از اسلام که در دوره مکی بسته شد، همان پیمان عقبه دوم بود. پیش از این نیز ایشان چه در دوره مکی و چه در دوره مدنی همیشه سعی می‌کرد تا با عقد چنین پیمان‌هایی امنیت هرچه بیشتر را برای اسلام و مسلمانان فراهم کند. از آن‌جا که در دوره مکی هنوز دین اسلام چندان گسترش نیافته بود و کسی پیامبر (ص) و مسلمانان را به رسمیت نمی‌شناخت، این پیمان‌ها نیز چندان گسترده نبودند و عمدتاً در حد سنت «جار» رواج داشتند - که یعنی تحت حمایت قرار گرفتن مسلمانان توسط افراد ذی‌نفوذ.

شاید بتوان گفت اولین پیمان پیامبر (ص) در عقبه اول و با گروهی از یثربیان بود، اما آن پیمان هرگز جنبه نظامی نداشت، از این رو در تاریخ اسلام به بیعت‌النساء مشهور است. اما در عقبه دوم پیامبر (ص) از مردم یثرب پیمان گرفت که در هر صورت از ایشان و مسلمانان دفاع کنند و در این راه از هیچ اقدامی مضایقه نکنند. در حقیقت این پیمان اولین پیمان‌نامه نظامی پیامبر (ص) برای دفاع از اسلام و مسلمانان بود (طبری، ۱۳۷۵، ج ۳: ۹۰۵؛ مقدسی، ۱۳۷۴، ش، ج ۲: ۶۶۵). در این پیمان، مردم مدینه در برابر پیامبر اکرم (ص) تعهد کردند: به خدایی که تو را به حق فرستاده است، البته چنانکه از ناموس و زنان خویش دفاع می‌کنیم، از تو دفاع خواهیم کرد. ای رسول خدا! بیعت ما را بپذیر، به خدا قسم: ماییم ورزیده جنگ‌ها و آماده کارزارها و آن را پشت بر پشت به میراث برده‌ایم. پیامبر اکرم (ص) نیز در مقابل گفت: «بلکه خون من خون شما و حرمت من حرمت شماست، من از شما می‌مانم و شما از منید. با هر که با شما بجنگد، می‌جنگم و با هر که با شما بسازد، می‌سازم» (آیتی، ۱۳۷۸: ۱۹۰).

پیمان‌نامه عمومی مدینه نیز یکی از این پیمان‌ها و برای ایجاد امنیت و آرامش مسلمانان بود (فارسی، ۱۳۶۲: ۱۵؛ آیتی، ۱۳۷۸: ۲۳۴). در این پیمان‌نامه از سویی کیفیت روابط بین مسلمانان مشخص شده و از سوی دیگر کیفیت روابط مسلمانان با یهودیان و قبایل اطراف مدینه بیان بود که وظایف و مسئولیت‌های آنان و همچنین مسلمانان را در قبال یکدیگر و در برابر دشمنان خارجی شهر مدینه مشخص می‌کرد. پیامبر اکرم (ص) از موقعیت‌های مختلف برای پیمان بستن با گروه‌ها و قبایل مختلف برای حمایت از

مسلمانان استفاده می‌کرد. به‌عنوان نمونه ۱۱ ماه پس از هجرت، در ماه صفر، پیامبر خدا در رأس سپاهی به ابواء رفت تا کاروان قریش را تهدید کند. در این سفر جنگی با عشیره بنی‌ضمیره از قبیله کنانه پیمان صلحی بست بدین مضمون که به سپاه دشمن وی نپیوندند و هیچ‌کس را علیه وی یاری ندهند (ابن سعد، بی‌تا، ج ۲: ۴؛ قاضی ابرقوه، ۱۳۷۷، ج ۲: ۵۲۱ و ۵۲۲).

در صلح حدیبیه که بین مسلمانان و مشرکان مکه امضاء شد نیز شرط شد هر کس بخواهد در عهد و پیمان رسول خدا و هر کس بخواهد در عهد و پیمان قریش در آید. از همین رو «بنی‌بکر» هم‌پیمان قریش و «بنی‌خزاعه» هم‌پیمان رسول خدا شدند (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۴۱۷؛ طبری، ۱۳۷۵، ج ۳: ۱۱۷۳).

• **جنگ‌های پیامبر:** براساس آیات قرآن کریم از ابتدای سال دوم هجری مسلمانان مجاز شدند تا برای احقاق حقوقشان با دشمنان خود بجنگند. «به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت [جهاد] داده شده‌است، چرا که مورد ظلم قرار گرفته‌اند و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست. همان کسانی که به ناحق از خانه‌هایشان بیرون رانده شدند. [آنها گناهی نداشتند] جز اینکه می‌گفتند: «پروردگار ما خداست» و اگر خدا بعضی از مردم را با بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار برده می‌شود، سخت ویران می‌شد و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری می‌کند، یاری می‌دهد، چرا که خدا سخت نیرومند شکست‌ناپذیر است»^۱. از این رو از همان نخستین ماه‌های هجرت پیامبر (ص) و مسلمانان به شهر مدینه برخوردهای مسلمانان، به‌ویژه با مشرکان مکه و در ادامه با یهودیان اطراف مدینه آغاز شد که جنگ‌های بزرگی، همچون جنگ بدر، احد، خندق، خیبر و غیره را به دنبال داشت. البته این جنگ‌ها نیز نقش مهمی در ایجاد آرامش برای مسلمانان ایفا کرد. نتیجه ۱۳ سال فعالیت پیامبر (ص) در شهر مدینه این بود که پس از تسلیم شدن قریش در برابر مسلمانان، تقریباً تمام قبایل شبه‌جزیره عربستان در برابر قدرت سیاسی

۱. حج، ۳۹: ۴۰. أَذِنَ لِلَّذِينَ يَقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ (۳۹) الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْ لَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُتِنَتِ صَوَامِعُ وَبَيْعٌ وَصَلَوَاتُ وَمَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (۴۰).

کلیات ۱۳

مسلمانان تسلیم شدند و در آخرین سال‌های عمر پیامبر (ص)، گروه برای پذیرش اسلام به مدینه می‌آمدند.

۱-۴-۲ دوره خلفا

در تاریخ اسلام، دوره‌ای که در آن دوره پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) ابوبکر، عمر، عثمان و امام علی (ع) حکومت کردند، به دوره خلفا مشهور است. برخی نیز دوره حکومت کوتاه مدت امام حسن (ع) را نیز در زمره این دوره می‌دانند. در این دوره که از سال ۱۱ تا ۴۰ ه.ق ادامه داشت چندین اتفاق خاص افتاد که از ویژگی‌های برجسته این دوره است. اولین و شاید مهم‌ترین حادثه‌ای که در این دوره اتفاق افتاد ماجرای سقیفه بنی ساعده و کیفیت انتخاب جانشین برای پیامبر اکرم (ص) بود (طبری، ۱۳۸۷ ق، ج ۳: ۲۰۳؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق، ج ۲: ۳۲۵) که اولین و به عبارتی بزرگ‌ترین شکاف را در امت اسلامی ایجاد کرد.

حادثه اصلی دوره خلافت کوتاه مدت خلیفه اول جنگ‌های رده بود که تقریباً ابوبکر تمام مدت خلافت خود درگیر این جنگ‌ها بود. در آستانه رحلت پیامبر اکرم (ص) در نقاط مختلف شبه جزیره عربستان افرادی مدعی نبوت شده و حامیانی در میان قبایل خود پیدا کردند. بعد از رحلت پیامبر (ص) بر تعداد این متنبیان افزوده شد. همچنین گروه‌هایی از مسلمانان که در سال‌های پایانی عمر پیامبر اکرم (ص) مسلمان شده و آشنایی چندانی با اسلام نداشتند نیز بعد از رحلت پیامبر (ص) از اسلام روی گردان شدند. به علاوه گروهی از اعراب مسلمان که به علت زندگی در فضای آزاد بیابان، پرداخت زکات را نوعی ظلم در حق خود می‌دانستند، بعد از رحلت پیامبر (ص) از پرداخت آن سر باز زدند. همه این گروه‌ها در زمره مرتدان محسوب شدند و دوره خلافت ابوبکر به طور کلی به جنگ با این گروه‌ها سپری شد (طبری، ۱۳۸۷ ق، ج ۳: ۳۰۱ تا ۳۱۳؛ ابن مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۱: ۲۸۰؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق، ج ۲: ۳۴۲).

ویژگی برجسته دوره خلافت خلیفه دوم، فتوحات مسلمانان، به ویژه در دو منطقه ایران و شام بود. در این دوره سپاه مسلمانان در ادامه جنگ‌های رده به منطقه عراق رسید و با نیروهای مرزی حکومت ایران برخوردهایی پیدا کرد. در ادامه این برخوردها بود که فتح ایران در برنامه حکومت اسلامی قرار گرفت و قسمت عمده‌ای از ایران و همچنین مناطقی از شام در دوره خلافت خلیفه دوم فتح شد و در زمره مناطق اسلامی

قرار گرفت (دینوری، ۱۳۶۸: ۱۳۳؛ طبری، ۱۳۸۷ ق، ج ۴: ۱۱۴). از پیامدهای اصلی فتوحات در این دوره، سرازیر شدن سیل غنائم از سرزمین‌های فتح‌شده به مرکز خلافت، یعنی شهر مدینه، بود. گسترده شدن دامنه خلافت اسلامی و همچنین غنائم فراوان که در این دوره نصیب مسلمانان می‌شد، اداره جامعه توسط یک فرد را مشکل می‌کرد، به همین علت، از این دوره به بعد، لزوم ایجاد دیوان‌های مختلف در حکومت اسلامی احساس شد. دیوان بیت‌المال یکی از اولین دیوان‌هایی بود که با ویژگی‌های خاص خود و برای تقسیم غنائم بین مسلمانان در این دوره تأسیس شد. خلیفه دوم بخش بزرگی از درآمدهای جدید را به صحابه و به‌ویژه سابقان در اسلام اختصاص داد (طبری، ۱۳۸۷ ق، ج ۴: ۲۰۹؛ راوندی، ۱۳۷۸، بخش ۱، ج ۴: ۲۷۵).

دو خلیفه نخست در دوران خلافت خود در زندگی شخصی و استفاده از بیت‌المال جانب احتیاط را رعایت می‌کردند و زندگی شخصی نسبتاً ساده‌ای داشتند. همچنین عمر برای برخی از صحابه بزرگ پیامبر (ص) هم محدودیت‌هایی گذاشته بود و به آن‌ها اجازه خروج از مدینه و سکونت در مناطق تازه‌مفتوح را نمی‌داد. اما با به خلافت رسیدن خلیفه سوم، اوضاع جامعه اسلامی، به‌ویژه به لحاظ مالی بسیار متفاوت شد. نرم‌خویی عثمان از همان آغاز مورد طعن واقع شد. او نظامی را که ابوبکر و عمر، به‌ویژه در گزینش والیان شهرها و نظارت بر اشراف، سخت رعایت می‌کردند، اندک اندک زیر پا نهاد و اگر خود هم به ادامه سیاست‌های دو خلیفه پیشین دلبستگی داشت، خویشاوندانش، او را به تأیید تصمیماتی که اتخاذ می‌کردند وامی‌داشتند. به هر حال در دوره خلافت عثمان بسیاری از افراد نزدیک وی که همگی از خاندان اموی بودند قدرت گرفته و با گشاده‌دستی خلیفه در بخشش بیت‌المال صاحب اموال فراوانی شدند (طبری، ۱۳۸۷ ق، ج ۴: ۲۱۹؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۱۳۹). این گشاده‌دستی‌ها و اقدامات خودسرانه بسیاری از حکام خلیفه سوم در شهرهای مختلف، اعتراض مردم را به دنبال داشت که این اعتراض‌ها در نهایت به شورش علیه خلیفه و قتل وی انجامید (طبری، همان: ۳۶۵).

با به حکومت رسیدن امام علی (ع) به‌عنوان خلیفه چهارم اوضاع جامعه اسلامی تا حدودی با دوره‌های قبل متفاوت شد. امام که معتقد بود در دوره‌های قبل حکومت اسلامی از مسیر اصلی خود منحرف شده، در صدد برآمد مجدداً آن را اصلاح کند، اما در برابر این اقدام امام، مقاومت‌هایی صورت گرفت که پیامد آن جنگ‌های داخلی مسلمانان و به‌وجود آمدن جریان‌های فکری، سیاسی و مذهبی جدید در این دوره در